

مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی
چهارمین کنفرانس سیاستهای پولی و ارزی
اردیبهشت ماه ۱۳۷۳

پول در اقتصاد اسلامی

سید حسین میرجلیلی
کارشناس ارشد وزارت امور اقتصادی و دارائی

کلیات مباحث نظری

در ادبیات اقتصادی چهار نوع تعریف مشخص از پول وجود دارد. تعاریف چهارگانه عبارتند

از:

- ۱- تعریف قانونی پول.
- ۲- تعریف پول با اتکاء به مصادیق آن.

۳- تعریف پول با اتکاء به وظایف آن.

۴- تعریف پول با معیار مقبولیت عام آن، برای وسیله مبادله شدن.

در تعریف قانونی پول آن چیزی پول شمرده شده که قانون آن را به عنوان پول معرفی کرده باشد و هر طلبکار نتواند از گرفتن بدهی خود به صورت این وسیله سرباز زند. در تعریف پول با اتکاء به مصادیق، هر آن چیزی که قدرت ابراء داشته باشد و در عمل نقش واسطه مبادلات را ایفاء نماید، پول شمرده شده است. معیار "درجه تقدینگی" نیز پول را از شبه پول متمایز می‌سازد. هر چند طی زمان مصادیق پول و شبه پول در حال تحوّل و تکامل بوده است.

در تعریف پول با اتکاء به وظایف آن هر چیزی که بتواند وظایف: "وسیله مبادله"، "ارزش استاندارد" (معیار سنجش ارزش) و "وسیله ذخیره ارزش" بودن را انجام دهد "پول" نامیده می‌شود.

در تعریف پول با معیار مقبولیت عام، هر آن چیزی که برای وسیله مبادله شدن توسط عموم پذیرفته شده باشد، پول نامیده می‌شود.

تعریف قانونی پول، لزوماً قادر به تبیین آنچه که نقش اصلی پول را ایفاء می‌نماید، نیست. علاوه بر آن نیاز به اتکاء به یک رابطه اعتباری برای مشخص نمودن چیزی به عنوان پول دارد. بنابراین این تعریف نمی‌تواند مبانی نظری لازم را برای درک مفهوم پول، ارائه نماید.

تعریف پول به مصادیق نیز قابل قبول نیست، زیرا هر چیزی را می‌توان اینچنین تعریف کرد. در تعریف پول با اتکاء به وظایف آن که تقریباً اکثریت قریب به اتفاق اقتصاددانان آن را پذیرفته‌اند و در آثار خود آن را نقل کرده‌اند، در واقع تعریف به لوازم پول است نه خود پول. در حالی که تعریف باید علت و حیثیت واقعی پول بودن را، در نظر بگیرد.

تعریف پول با معیار مقبولیت عامه نیز قابل قبول نیست، زیرا وسیله مبادله شدن و مقبولیت عمومی، در واقع معلول این است که پولی وجود داشته باشد. تعریف پول بر اساس ماهیت آن

همان تعریفی است که می‌تواند به معنای واقعی، پول بودن پول را، تبیین نماید.

نیاز انسانها به مبادله ابتدا در اقتصاد به صورت پایاپای انجام می‌شد. در این وضعیت آنچه از کالا، مورد رغبت و تقاضا واقع می‌شد همان خصوصیات مصرفی آن کالا و یا به عبارت دیگر ارزش مصرفی کالا بود. اما پس از آن در اقتصاد غیر پایاپای که یک وسیله استاندارد واسطه مبادلات قرار گرفت، یک قدرت خرید خالص، نقش واسطه بین دو ارزش مصرفی را ایفاء می‌نمود. این قدرت خرید خالص یا ارزش مبادله‌ای صرف، پول نام گرفت، که در اقتصاد غیر پایاپای ابتدا به صورت کالا و سپس به شکل دو فلز طلا و نقره و در نهایت به صورت اسکناس و سکوک درآمد. بنابراین پول را می‌توان به صورتهای زیر تعریف کرد:

- پول آن چیزی است که بیانگر مالیت مال باشد و جنبه‌ها و خصوصیات شخصی آن چیز از نظر عرفی ملغی شده است.
- پول عین مالیت مال و مجرد از هرگونه جنبه‌های خصوصی و شخصی اموال است.
- پول آن چیزی است که بیانگر و حافظ ارزش مبادله‌ای خالص باشد.
- پول آن چیزی است که ارزش مصرفی آن در ارزش مبادله‌ای آن است.

تعاریف یاد شده در مورد هر دو نوع پول حقیقی و اعتباری صادق است. با پول شدن یک چیز، ارزش مبادله‌ای جدیدی به صورت بالفعل بوجود می‌آید. در واقع این ارزش مبادله‌ای بطور بالقوه، در چیزی که می‌خواهد پول شود وجود دارد. سپس با تعلق رغبت به آن، این ارزش مبادله‌ای بالقوه تبدیل به بالفعل می‌شود.

هر کالای حقیقی که خصوصیات آن اجازه دهد آن چیز حافظ و تضمین‌کننده ارزش مبادله‌ای باشد هنگامی که از جانب مردم به عنوان پول مورد رغبت قرار می‌گیرد و مقبولیت همگانی پیدا می‌کند، ارزش مبادله‌ای بالفعلی را ایجاد می‌کند که با حیثیت پولی آن کالا، مرتبط است. ارزش مبادله‌ای بالفعلی که جدیداً خلق شده صرفاً از رغبت مردم به آن، به عنوان پول یا حامل ارزش مبادله‌ای ناشی می‌شود. در مورد پول اعتباری نیز وقتی اعتبار و قدرت به وفاء نسبت

به اعتبار خود، برای اعتبار کننده وجود داشته باشد، ارزش مبادله‌ای بالفعلی خلق می‌شود. بنابراین پول حقیقی و پول اعتباری، ارزش مبادله‌ای بالفعل جدیدی را ایجاد می‌کنند که قبلاً به صورت بالقوه در کالا (به تناسب خصوصیات آن) یا در اعتبار اعتبار کننده وجود داشته، ولی هنوز به صورت بالفعل تحقق نیافته است. در مورد پول حقیقی، ارزش مبادله‌ای بالفعل ایجاد شده، بر ارزش مبادله‌ای که کالا قبل از این که پول شود، در خود داشت، اضافه می‌شود. ولی در مورد پول اعتباری، ارزش مبادله‌ای بالفعل جدید از قوه به فعلیت می‌رسد و در نتیجه، ارزش مبادله‌ای جدیدی غیر از آن، توسط اعتبار کننده ایجاد می‌گردد. عمده ترین مشخصه های پول عبارتند از: وسیله مبادله، واحد سنجش ارزش و ذخیره ارزش.

همانطور که گفته شد با پول شدن یک شیء، ارزش مبادله‌ای جدیدی خلق می‌شود. از اینرو می‌تواند به عنوان وسیله مبادله بکار رود. اگر پول دارای ارزش مبادله‌ای بالفعل نبود، نمی‌توانست وسیله مبادله باشد و در مقابل آن کالای حقیقی پذیرفته شود. بنابراین پول، از آن جهت که دارای ارزش مبادله است، یکی از مشخصه های آن این است که وسیله مبادله است.

واحد سنجش ارزش بودن پول نیز، به تبع آن است که پول یک ارزش مبادله‌ای بالفعل را ایجاد می‌کند. از آنجا که پول حامل ارزش مبادله است، می‌تواند بیانگر ارزش مشخصی باشد. از اینرو واحدهای پول که حامل ارزش مبادله‌ای هستند نیز می‌توانند ارزش های مصرفی کالاها را بسنجند.

ذخیره ارزش بودن پول نیز از آنجا ناشی می‌شود که پول همواره حامل یک ارزش مبادله‌ای کلی و بالفعل است و به همین جهت می‌تواند ارزش مبادله‌ای را در خود ذخیره نماید. این مشخصه پول دارای منافع برای افراد است از جمله اینکه:

۱- با ذخیره ارزش بودن پول، افراد از مفاسد ذخیره نمودن ارزش های مصرفی مصون می‌مانند. مانند فاسد و تلف شدن کالاها.

۲- افراد نمی‌دانند در آینده به چه چیزی نیاز پیدا خواهند کرد تا همان را ذخیره نمایند.

۳- ارزش مبادله‌ای کلی در قالب ذخیره نمودن کالاهای حقیقی شکل نمی‌گیرد. ولی با ذخیره پول، ارزش مبادله‌ای کلی که قابلیت تبدیل شدن به هر کالائی را دارد، بوجود خواهد آمد.

در حالتی که فرد از ذخیره نمودن خود پول لذت ببرد، در واقع آن ارزش مبادله‌ای کلی نهفته در پول است که توسط فرد مورد رغبت قرار گرفته و از آن لذت می‌برد.

برخی تصور کرده‌اند که مشخصه سوم یعنی ذخیره ارزش برای پول از نظر اقتصاد اسلامی قابل قبول نیست. با این استدلال که اسلام کتز پول را مجاز نشمرد، از آن نهی کرده و برکتز پول، زکات وضع نموده است. در این صورت نباید وظیفه ذخیره ارزش بودن را برای پول در اقتصاد اسلامی مطرح ساخت. این نظریه نتیجه برداشت نادرست از دو مفهوم "ذخیره ارزش" و "کتز" است.

مقصود از ذخیره ارزش بودن پول این است که اگر کسی بخواهد ارزش مبادله‌ای ذخیره کند و نزد خود نگاه دارد آن را به صورت پول نگه می‌دارد. اما آنچه در اسلام مورد نهی قرار گرفته را کدگذاردن پول و خارج کردن آن از مبادله در حد بیش از نصاب و به مدت یکسال تمام است. بنابراین منشاء تحریم کتز آن نیست که پول ذخیره ارزش نیست، بلکه منشاء تحریم، خارج نشدن پول از گردش مبادلات است. در این مورد لازم به تذکر است که:

اولاً: را کد نگه داشتن پول غیر طلا و نقره، از نظر فقهای شیعه، پول را مشمول زکات نمی‌کنند.

ثانیاً: خارج ساختن پول، طلا و نقره از گردش مبادلات حتی بیش از حد نصاب، امر غیر جایزی نیست بلکه جایز است و تنها آن را مشمول حکم زکات می‌سازد. بنابراین ذخیره ارزش بودن پول با کتز پول تفاوت دارد. علاوه بر آن که را کد نگه داشتن پول بطور مطلق، امر غیر مجازی نیست. در این صورت حتی اگر بگوئیم لازمه ذخیره ارزش بودن پول کتز کردن آن است، نمی‌توانیم در اقتصاد اسلامی این مشخصه را از

پول نفی نمائیم. تنها می‌توانیم آن را نهی کنیم. از طرف دیگر لازمه پذیرفتن ذخیره ارزش بودن پول قبول بهره نیست زیرا بهره در نتیجه یک رابطه حقوقی پدید می‌آید. بنابراین هیچ پولی نیست که وسیله مبادله یا واحد سنجش ارزش یا ذخیره ارزش نباشد. این سه مشخصه همواره با پول همراه است. ریشه این سه مشخصه نیز در ارزش مبادله جدید و بالفعلی است که با پول شدن چیزی ایجاد می‌شود. اصولاً "مالیت پول" در صورتی اثبات می‌شود که همبستگی بین مشخصه های پول پذیرفته شود. در آن صورت دیگر پول صرفاً یک حواله نیست. زیرا اگر پول حواله صرف، جهت مبادله باشد خود حواله حامل مالیت و ارزش نخواهد بود.^۱ مالیت پول، اعتباری است که به اعتبار اعتبار کننده و مقبولیت عموم، مالیت یافته است و احکام مال بر آن صدق می‌کند. پول از دیدگاه اقتصاد اسلامی مالیت دارد. کالاها نیز مالیت دارند. اما آیا پول کالا است؟

واقعیت این است که هر چند عنوان مالیت بر کالاها ی حقیقی و پول اعتباری هر دو صدق می‌کند و بر همین اساس فقها پول اعتباری را "مال" و حامل ارزش تلقی نموده‌اند، لیکن عنوان کالا بر آن اطلاق نمی‌شود. زیرا کالاها همان اموال حقیقی هستند در حالی که پول دارای مالیت اعتباری است. به عبارت دیگر بین کالای حقیقی و مال از لحاظ منطقی رابطه اعم و اخص مطلق بر قرار است. هر چند پول اعتباری در مال بودن با کالاها ی حقیقی مشترک است، ولی پول اعتباری همچون کالاها، مالیت حقیقی ندارد. البتّه کالای حقیقی نبودن پول اعتباری، در محدوده اقتصاد ملی است. اما اگر از دیدگاه اقتصاد بین الملل بدین موضوع بنگریم در آن صورت پول اعتباری هر کشور برای کشور دیگر، به منزله یک کالای حقیقی تلقی شده و مورد مبادله قرار می‌گیرد.

۱- البتّه اگر پول را حواله بدانیم باز هم در صورتی که حواله را به بیشتر از آن فرض دهیم مرتکب یک فرض

از آنچه که گفته شد می‌توان دریافت که پول با سرمایه ماهیتاً تفاوت دارد. بویژه آن که پول یک مال اعتباری است در حالی که سرمایه مال حقیقی می‌باشد.

برخی معتقدند پول، سرمایه بالقوه است. در حالی که پول، بالقوه همه چیز است و این امر منحصر به سرمایه نیست. همانگونه که پول می‌تواند طی مراحل طی به سرمایه تبدیل شود، درآمد، پس انداز و برخی کالاهای مصرفی نیز می‌توانند به سرمایه تبدیل شوند. هر چند پول به لحاظ اینکه قدرت خرید کلی است سرعت تبدیل آن به سرمایه زیاد است.

همچنین پول را نمی‌توان سرمایه مالی دانست، زیرا مادامی که مال به شکل پول (مالیت اعتباری) است دیگر سرمایه (مال حقیقی) نیست و زمانی که پول به سرمایه تبدیل گردید دیگر مال اعتباری نخواهد بود. از اینرو از دیدگاه اقتصاد اسلامی اطلاق سرمایه مالی به پول موجه به نظر نمی‌رسد.

این اشکال از آنجا ناشی شده که برخی گمان کرده‌اند، در قرارداد مشارکت یا مضاربه، به محض آنکه فرد، مبلغی را برای مشارکت یا تجارت اختصاص داد، به وجه او اصطلاح سرمایه اطلاق می‌شود و مستحق بازدهی است، در حالی که چنین نیست. مادامی که پول تبدیل به کالا نشود و به عبارت دیگر تا زمانی که به قرارداد عمل نشود پول تبدیل به سرمایه نخواهد شد. در حالی که به محض تبدیل پول به کالا (برای تجارت در مضاربه و برای فعالیت اقتصادی در مشارکت) بدان می‌توان نام سرمایه را اطلاق کرد. به همین لحاظ از دیدگاه ما سرمایه مالی توجیه منطقی ندارد. از جمله آثار اقتصادی پول ایجاد حق آقائی یا سلطه^۱ است. این اثر تنها در پولهای اعتباری بوجود می‌آید. در واقع ناشر پول اعتباری قدرت خریدی را ایجاد می‌کند که برای او آقائی یا سلطه به ارمغان می‌آورد. در حالی که در پولهای حقیقی حق آقائی یا سلطه ایجاد نمی‌شود. زیرا به

محض صرف نظر نمودن از ارزش اعتباری پول، فلز یا ماده اصلی پول دارای ارزش است. این حق سلطه که به واسطه انتشار پول اعتباری ایجاد می‌شود، در جامعه اسلامی برای حفظ مصالح عمومی باید در اختیار دولت اسلامی قرار داد و حق انتشار پول اعتباری را از افراد سلب نمود. آنچه تحت عنوان پول اعتباری می‌شناسیم، بر اساس معیارهای مختلف دارای اقسامی است. اولین معیار برای طبقه بندی اقسام پول اعتباری بر اساس هویت ناشر آن است. پول اعتباری از لحاظ مقام ناشر به دو دسته کلی تقسیم می‌شود:

- ۱- آنهایی که توسط دولت و بانک مرکزی به جریان گذاشته می‌شود و به عنوان "پول رایج" به صورت مسکوک و اسکناس شناخته می‌شود.
- ۲- آنهایی که توسط بانکها و مؤسسات مالی غیر بانکی به جریان گذاشته می‌شود و به صورت چک تضمینی یا چک بانکی و یا سپرده های دیداری است. به مورد اول پول اعتباری نقد و مورد دوم، پول اعتباری بدهی گفته می‌شود. دومین معیار برای طبقه بندی اقسام پول بر اساس ماده تشکیل دهنده پول است. از این دیدگاه پول به سه صورت: پول کالائی، پول فلزی و پول کاغذی تقسیم می‌شود. سومین معیار بر اساس نقد و بدهی بودن پول است. پول نقد، پولی است که ارزش اعتباری پول در یک شیء خارجی عینیت یافته و همان چیز، ارزش مبادله ای را حمل می‌کند و مالیت دارد مانند اسکناس و مسکوک. پول بدهی، پولی است که ارزش اعتباری پول در یک شیء خارجی عینیت نمی‌یابد. بلکه در این پول تعهد پرداخت به عهده امضاءکننده یا ناشر رسیده یا حواله های این نوع پول باقی مانده است. در صورت تلف شدن رسیده یا حواله های این نوع پول، امضاءکننده یا ناشر رسیده ها هنوز متعهد به پرداخت دین خود به صاحبان رسیده ها می‌باشد و بدهی ساقط نشده است. علاوه بر آن مردم به هنگام معامله با این پول نسبت به قابلیت تبدیل آن به پول اعتباری نقد غفلت ندارند. مانند سپرده های دیداری که در واقع بدهی بانکها به افراد است و می‌توان توسط حواله ای به نام چک از

بانک، پول اعتباری نقد را مطالبه کرد. بدیهی است چک صادر شده، ابزار یا سند انتقال این نوع پول بوده و خود پول نیست، بلکه رسید پول است و پول در واقع همان سپرده است که به صورت پول اعتباری بدهی نزد بانکها است.

چهارمین معیار برای تقسیم انواع پول، مقایسه بین ارزش پول به صورت پول و ارزش ماده اولیه آن در مصارف غیر پولی است. با توجه به این معیار، پول به دو نوع تمام عیار و اعتباری تقسیم می‌شود. در پول تمام عیار، ارزش پول به عنوان پول با ارزش ماده اولیه پول یکسان است، یا دارای تفاوت بسیار اندک می‌باشد. در حالی که در پول اعتباری، ارزش پول به عنوان پول بیش از ارزش ماده اولیه پول می‌باشد. بطوری که می‌توان گفت در پول اعتباری محض ارزش ماده اولیه پول ناچیز است.

با ترکیب معیارهای سوم و چهارم، چهار عنوان برای پول بدست می‌آید که عبارتند از:

۱- پول تمام عیار نقد

۲- پول تمام عیار بدهی (رسید پول تمام عیار)

۳- پول اعتباری نقد

۴- پول اعتبار بدهی

شناخت هر یک با توجه به توضیحات قبلی امکان پذیر است. بحث کلیات مباحث نظری در

اینجا خاتمه می‌یابد.